

شرح مبسوط قانون اساسی

عنوان پژوهش

شرح اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۰۸۱

تاریخ: ۱۳۹۴/۰۵/۰۴



شناسنامه

عنوان:

شرح مبسوط قانون اساسی

شرح اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی

مؤلف: حمزه اشگیبوس

زیر نظر دکتر عباسعلی کدخدایی

معاونت پژوهشی

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۰۸۱

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۰۵/۰۴

پژوهشکده شورای نگهبان



فهرست مطالب

۲	چکیده
۳	مقدمه
۶	۱. پیشینه
۶	۱-۱. سؤال پارلمان از وزرا
۸	۲-۱. سؤال مجلس از وزرا و رئیس جمهور
۱۱	۳-۱. مطالعه تطبیقی
۱۳	۲. تحلیل موضوع
۱۵	۱-۲. سؤال از وزیر
۲۴	۲-۲. سؤال از رئیس جمهور
۳۱	نتیجه گیری و پیشنهاد
۳۵	منابع و مأخذ

چکیده

یکی از کارویژه‌های مهم مجلس شورای اسلامی نظارت این نهاد بر امور جاری کشور و اجرای قوانین توسط مقامات اجرایی و سازمان‌ها و دستگاه‌های مختلف است. برای انجام این وظیفه مهم، برخی ابزارهای نظارتی نیز برای مجلس شورای اسلامی مورد اذعان و تصدیق قانون‌گذار اساسی قرار گرفته است. بر اساس اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی، یکی از روش‌های اعمال صلاحیت نظارتی مجلس شورای اسلامی بر مقامات اجرایی با توجه به مسئولیت سیاسی آن‌ها در قبال این نهاد، «سؤال» از وزرا و رئیس‌جمهور در مورد چگونگی اجرا و انجام وظایف قانونی آنان می‌باشد. اصل مذکور با قائل شدن به تفاوت در سؤال از رئیس‌جمهور و هر یک از وزرا، در نصاب و مهلت پاسخگویی به دلیل موقعیت و شأن برتر رئیس‌جمهور، داری احکام مشخصی در این زمینه می‌باشد. علی‌رغم دغدغه تدوین‌کنندگان قانون اساسی در خصوص نظارت نمایندگان مردم بر عملکرد مقامات قوه مجریه از طریق سؤال، تجربه عملی در طول سالیان حکومت اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی، نشانگر آن است که این ابزار نظارتی نتوانسته است کارآیی لازم را در نظارت مجلس شورای اسلامی بر مقامات قوه مجریه و تأثیرگذاری لازم داشته باشد. چگونگی پرداختن به این ابزار نظارتی و اعمال آن، ایرادات حاکم بر این اصل و نیز ضمانت اجراهای حاکم بر آن در سایه قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی به عنوان مهمترین قانون در راستای اجرایی نمودن این اصل، از جمله مواردی است که نوشته حاضر در پی بررسی و تحلیل آن‌ها برآمده است.

واژگان کلیدی

مسئولیت سیاسی، نظارت، سؤال، پاسخگویی، مجلس شورای اسلامی، رئیس‌جمهور، وزرا.

مقدمه

مجلس شورای اسلامی به عنوان یکی از مهمترین نهادهای اساسی در جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود که صلاحیت انحصاری قانون‌گذاری را بر عهده دارد. اگرچه قانون‌گذاری مهمترین کارویژه مجلس به‌شمار می‌آید، ولی در کنار این مهم، با اعمال نظارت‌های مختلف بر اعمال قوه مجریه، نقش به‌سزایی در کنترل مدیریت کلان جامعه ایفا می‌نماید. یکی از نظارت‌هایی که مجلس در چارچوب قانون اساسی از آن برخوردار است، نظارت سیاسی و پارلمانی نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر اعمال و عملکرد قوه مجریه می‌باشد^(۱). مطابق این نوع نظارت، پاره‌ای از مقامات دولتی مانند رئیس‌جمهور و وزیران در مقابل نمایندگان مردم دارای مسئولیت سیاسی می‌باشند؛ بدین معنا که نمایندگان بر عملکرد ایشان نظارت مستمر داشته و چنانچه این عملکرد را ضعیف و ناکارآمد تشخیص دهند می‌توانند با ابزارهای قانونی مشخص، آن‌ها را بازخواست و در نهایت باعث سلب مقام و منصب سیاسی از ایشان شوند. پیداست در بسیاری از موارد مقام عزل‌شده ضرورتاً مورد بازخواست قضایی قرار نمی‌گیرد و صرفاً از دایره اعتماد نمایندگان ملت خارج می‌شود. بنابراین دور از واقع نیست اگر بیان شود جوهر نظارت سیاسی، ایفای نقش در به دست آوردن یا از دست دادن مقام و قدرت عمومی است^(۲).

گفتنی است وزرا جهت احراز مقام سیاسی و اجرایی خود به استناد اصل

۱. برخی دیگر از نظارت‌های مجلس بر اساس قانون اساسی عبارت‌اند از:

- الف) نظارت مالی و بودجه‌ای: از طریق دیوان محاسبات (موضوع اصول پنجاه و چهارم و پنجاه و پنجم)،
 ب) نظارت استصوابی: نظارت بر توقف انتخابات مجلس (اصل شصت و هشتم)، تصویب معاهدات و قراردادهای بین‌المللی (اصل هفتاد و هفتم)، تغییر خطوط مرزی (اصل هفتاد و هشتم)، برقراری محدودیت‌های ضروری توسط دولت (اصل هفتاد و نهم)، اخذ وام و استقراض خارجی (اصل هشتادم)، استخدام کارشناسان خارجی (اصل هشتاد و دوم)، صلح دعای مالی دولت و ارجاع آن‌ها به داوری (اصل یکصد و سی و نهم)،
 ج) نظارت تأسیسی: شکل‌گیری هیأت وزیران (اصل هشتاد و هفتم)، تصویب تعداد وزیران و وزارتخانه‌ها و حدود اختیارات هر یک از آنان (اصل یکصد و سی و سوم)، تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت (اصل هشتاد و پنجم).
 د) نظارت قانونی: نظارت رئیس مجلس بر مصوبات دولت به جهت عدم مغایرت با قوانین (اصول هشتاد و پنجم و یکصد و سی و هشتم).

۲. راسخ، محمد. نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، تهران: انتشارات دراک، ۱۳۸۸، ص ۳۴.

یکصدوسی و سوم قانون اساسی^(۱)، نیازمند اخذ رأی اعتماد از سوی مجلس شورای اسلامی هستند. همچنین طبق اصل یکصدوسی و هفتم، هریک از وزرا مسئول وظایف خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، مسئول اعمال دیگران نیز می‌باشد. رئیس جمهور نیز طبق اصل یکصد و بیست و دوم قانون اساسی در حدود اختیارات و وظایفی که برعهده دارد در برابر ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است.

یکی از ابزارهای مهم نظارتی مجلس شورای اسلامی با توجه به مسئولیت مذکور برای مقامات قوه مجریه، «سؤال» است^(۲). استفاده از ابزار نظارتی مذکور توسط مجلس، در اصل هشتاد و هشتم مورد حکم قانون‌گذار اساسی قرار گرفته است. این اصل اشعار می‌دارد:

«در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول، درباره یکی از وظایف آنان سؤال کنند، رئیس جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس جمهور بیش از یک‌ماه، و در مورد وزیر بیش از ده روز به تأخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی».

مطابق این اصل نظارت بر رئیس جمهور و وزرا از طریق «سؤال» هم در خصوص هر یک از وزرا و هم در رابطه با رئیس جمهور در خصوص وظایف آنان، قابل اعمال است.

سؤال، ابزار سیاسی مناسبی است که زمینه را برای برقراری تعامل موثر و سازنده بین مجلس و قوه مجریه فراهم می‌نماید. هر چند که افراد نماینده، ابتکار طرح سؤال را بر عهده دارند، اما تشریفات سؤال از طریق مجلس، نشان‌دهنده آن است که سؤال مطروحه، آثار سیاسی جمعی به‌جای می‌گذارد و ارتباط فعالی را میان قوه مجریه و مجلس برقرار می‌نماید^(۳).

۱. «وزرا توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند...».

۲. از دیگر ابزارهای نظارت سیاسی مجلس شورای اسلامی، می‌توان به تذکر موضوع ماده (۲۰۸) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۱) و استیضاح موضوع اصل هشتاد و نهم قانون اساسی، تحقیق و تفحص موضوع اصل هفتاد و ششم و رسیدگی به شکایات از طرز کار قوای سه‌گانه (اصل نودم) اشاره نمود.

۳. هاشمی، سیدمحمد. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۶۹.

این نوع نظارت همچنین می‌تواند در ساختار سیاسی کشور، منشاء تحولات بسیاری گردد. نتیجه سؤال پس از ارائه پاسخ و توجیه مقام پاسخ‌دهنده، چنانچه قانع‌کننده باشد، موجب استحکام اعتماد مجلس به قوه مجریه و اعضای آن خواهد شد و بالعکس، در صورت عدم اقتناع مجلس از پاسخ مقامات قوه مجریه در قبال پرسش نمایندگان، مجلس می‌تواند از ابزار دیگر نظارتی خود استفاده نماید؛ به دیگر سخن، این نهاد از سؤال به عنوان ابزار نظارتی درجه پایین‌تر به ابزار نظارتی شدیدتر مانند استیضاح متوسل شده و سلب قدرت از رئیس‌جمهور یا وزرا را در پی داشته باشد.

افزون بر اینکه نظارت سیاسی مذکور از طریق سؤال نمایندگان می‌تواند به نوعی نظارت عمومی را نیز منجر شود؛ چراکه با طرح سؤال موجب شفافیت در عملکرد قوه مجریه و همچنین رشد آگاهی‌های عمومی در این زمینه می‌شود و این اقدام در نهایت بر داوری سیاسی شهروندان و رأی آن‌ها در رقابت‌های انتخاباتی برای به دست گرفتن قوه مجریه تاثیرگذار و منشأ اثرات فراوانی بر افکار عمومی خواهد بود.

مقوله «پاسخگویی» اما روی دیگر سکه نظارت مجلس بر مقامات اجرایی در قوه مجریه و «مسئولیت» مقامات مذکور در قبال مجلس است؛ چراکه «مسئولیت و پاسخگویی» دو مفهوم ملازم یکدیگرند. لازمه مسئول بودن «پاسخگویی» است. یکی از ویژگی‌های نظام سیاسی اسلام آن است که حکومت از مقوله «امانت و مسئولیت» است. این مهم همچنین برگرفته از نگاه پیشوایان دینی به مقوله حکومت حکایت دارد^(۱). بدیهی است که یکی از لوازم مسئولیت، پاسخگویی در قبال تعهد و مسئولیتی است که بر عهده انسان نهاده شده است. بنابراین مسئولیت بدون پاسخگویی معنا و مفهومی ندارد.

در این مقاله نگارنده در پی آن است تا ضمن بررسی پیشینه مسئولیت مقامات اجرایی در آیینة قوانین در ایران و نگاه تطبیقی به این موضوع در سایر کشورها و تفکیک قائل شدن بین سؤال از وزرا و رئیس‌جمهور، به تحلیل و بررسی اصل

۱. سخن معروف امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) به اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان گواه روشنی بر این واقعیت است. حضرت در نامه‌ای خطاب به او فرمودند: «انَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطَعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَ أَنْتَ مُسْتَرْعَى لِمَنْ فَوْقَكَ، لَيْسَ لَكَ أَنْ تُفْتَتَّ فِي رَعِيَّةٍ...»... کاری که بر عهده توست وسیله کسب و ارتزاق تو نیست، بلکه امانتی بر عهده توست و مافوق تو نگرهبانی و رعایت امانتی را که به تو سپرده، از تو طلب می‌کند. بنابراین حق نداری با مردم به میل و هوای نفس خود رفتار کنی...؛ نهج البلاغه، نامه ۵.

هشتاد و هشتم قانون اساسی پرداخته و ایرادات اجرایی و چالش‌های پیش روی این ابزار سیاسی و نظارتی مجلس را واکاوی نماید. نکته حائز اهمیت در این نوشتار این است که علی‌رغم نوشته‌های متعددی که در خصوص لزوم نظارت و چگونگی نظارت‌های مجلس بر قوه مجریه و مقامات عالی‌رتبه آن به رشته تحریر درآمده است، اما همچنان بررسی و تحلیل ابزار سیاسی «سؤال» موضوع اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی، مغفول مانده است که این نوشتار در پی تحلیل این امر می‌باشد.

۱. پیشینه

با توجه به اینکه اساس اصل هشتاد و هشتم مبتنی بر مسئولیت و پاسخگویی مقامات قوه مجریه در قبال مجلس و نظارت مجلس بر آنها است، لذا توجه به پیشینه این امر، بر همین اساس، لازم و ضروری جلوه می‌نماید.

۱-۱. سؤال پارلمان از وزرا

بر اساس قانون اساسی مشروطه به عنوان نخستین قانون اساسی در ایران، و با توجه به نوع نظام سلطنتی کشور، عالی‌ترین مقام کشور یعنی شخص پادشاه، با وجود اختیارات گسترده از مسئولیت مبرا بود. این عدم مسئولیت در متمم قانون اساسی مشروطه (مصوب ۱۲۸۶) تجلی یافت و به موجب اصل چهل و چهارم، شخص پادشاه از مسئولیت مبری دانسته شد و در هیچ موضوعی امکان مؤاخذه وی وجود نداشت. در عوض وزرا دولت در هر گونه امور در قبال هر دو مجلس مسئول شناخته شدند. مسئولیت مذکور برای وزرا قبل از تصویب متمم قانون اساسی مشروطه، در خود قانون مذکور (مصوب ۱۲۸۵) نیز مقرر گردیده بود و در هر موردی که مجلس نقضی در اجرای قوانین یا مسامحه‌ای از سوی وزیر مسئول در این زمینه مشاهده می‌کرد، امکان اخطار به وزیر و کسب توضیحات لازم برای مجلس وجود داشت^(۱). ضمانت اجرای این امر نیز بر اساس اصل بیست و نهم، امکان عزل وزیر مسئول با موافقت شاه بود^(۲). همچنین بر اساس

۱. اصل بیست و هفتم در این زمینه اشعار می‌داشت: «مجلس در هر جا نقضی در قوانین یا مسامحه در اجرای آن ملاحظه کند به وزیر مسئول در آن کار اخطار خواهد کرد و وزیر مزبور باید توضیحات لازمه را بدهد».

۲. «هر وزیری که در امری از امور مطابق قوانین... از عهده جواب برنیاورد و معلوم شود که نقض قانون و تخلف از حدود مقرر کرده است، مجلس عزل او را از پیشگاه همایونی مستدعی خواهد شد...».

اصل چهل و دوم^(۱) قانون مذکور، امکان اخذ هر گونه توضیح از وزیر مسئول در مجلس شورای ملی وجود داشت و وزیر مکلف به حضور در مجلس و ایراد توضیحات لازم بود. اصل شصتم متمم قانون اساسی مشروطه^(۲) نیز، ضمن تأکید بر مسئولیت سیاسی وزرا، امکان احضار آنها برای پاسخگویی را مقرر نموده بود. مضاف بر اینکه وزرا دارای مسئولیت جمعی نسبت به اعمال هیأت وزیران نیز بودند^(۳). نکته دیگر در این خصوص، مربوط به نخست وزیر است که در این دوره ریاست هیأت وزیران را بر عهده داشت و وی نیز همان مسئولیت وزرا را در برابر مجلس دارا بود^(۴). طبق قانون مذکور ضمانت اجراهای بیان شده برای مجلس سنا در کنار مجلس ملی نیز برای این نهاد به رسمیت شناخته شده بود^(۵).

در همین راستا در فصل ششم نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی (مصوب ۱۳۲۷هـ.ق) با عنوان باب استیضاح و سؤالات از وزرا و در مواد (۵۴) تا (۵۶) به سؤال از وزرا اشاره ولی به نحوه این امر توجهی نشده بود. آیین نامه داخلی مجلس شورای ملی (مصوب ۱۳۲۸)، قانون دیگری بود که در فصل یازدهم و در مواد (۱۶۸) تا (۱۷۰) خود، متعرض چگونگی سؤال از وزرا توسط نمایندگان مجلس شده بود.

تیرماه سال ۱۳۳۶ نیز نحوه سؤال از وزرا در قالب ماده واحده «طرح قانونی درباره سؤال آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی از آقایان وزیران»، به تصویب مجلس شورای ملی رسید که حاوی چگونگی سؤال نمایندگان مجلس از وزرا و احکامی درباره چگونگی رفتار مجلس در خصوص قانع نشدن سؤال کنندگان از پاسخ وزیر مسئول و ارجاع امر به کمیسیون مربوطه در این زمینه بود. همچنین در ماده واحده

۱. «در هر امری که مجلس شورای ملی از وزیر مسئولی توضیح بخواهد، آن وزیر ناگزیر از جوابست...».
۲. «وزرا مسئول مجلسین هستند و در هر مورد که از طرف یکی از مجلسین احضار شوند، باید حاضر گردند و نسبت به اموریکه محول به آنهاست حدود مسئولیت خود را منظور دارند».
۳. اصل شصت و یکم متمم قانون اساسی مشروطه: «وزرا علاوه براینکه به تنهایی مسئول مشاغل مختصه وزارت خود هستند، به هیأت اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند».
۴. قاسم زاده، قاسم. حقوق اساسی، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۰، صص ۴۲۸-۴۲۹.
۵. اصل شصت و پنجم: «مجلس شورای ملی یا سنا می توانند وزرا را در تحت مؤاخذه و محاکمه در آورند.» همچنین اصل شصت و هفتم در این زمینه مقرر می دارد: «در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس سنا با اکثریت تامه عدم رضایت خود را از هیأت وزرا یا وزیری اظهار نمایند آن هیأت یا آن وزیر از مقام وزارت معزل می شود».

مذکور، مهلت رسیدگی به سؤال در کمیسیون مزبور، یک ماه مقرر شده بود که این مهلت نیز، بر اساس ماده واحده اصلاح ماده واحده مصوب ۴ تیر ۱۳۳۶، دائر به تمدید مدت رسیدگی به سؤالات (مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۳۷)، به دوماه افزایش یافت. آیین نامه داخلی مجلس شورای ملی در دوره بیست و یکم قانون گذاری این مجلس نیز، با عنوان تصمیم متخذ دایر به اجرای موقت آیین نامه داخلی مجلس شورای ملی تنظیمی به وسیله کمیسیون منتخبه (مصوب ۱۳۴۳)، قانون دیگری بود که در فصل یازدهم خود و در مواد (۱۵۲) تا (۱۵۵) به نحوه و چگونگی سؤال از وزرا توسط نمایندگان مجلس پرداخته بود. ماده (۱۵۵) این قانون نیز در خصوص قانع نشدن نمایندگان سؤال کننده از وزیر مسئول، طی تصمیم قانونی دائر به اصلاح مواد (۱۳) و (۱۵۵) آیین نامه داخلی مجلس شورای ملی (مصوب ۱۳۴۸)، اصلاح گردید.

۱-۲. سؤال مجلس از وزرا و رئیس جمهور

۱. سؤال مجلس از وزرا و رئیس جمهور در قانون اساسی: پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پیش نویسی برای قانون اساسی تهیه شد که به موجب این پیش نویس، رئیس جمهور رئیس کشور و عالی ترین مقام قوه مجریه بود و بر همین اساس نیز، در برابر مجلس مسئولیت سیاسی نداشت و صرفاً در برابر ملت مسئول شناخته شده بود^(۱). بنابراین امکان نظارت سیاسی بر رئیس جمهور از طریق سؤال برای مجلس وجود نداشت. در عوض مسئولیت سیاسی فردی و جمعی وزرا مورد توجه پیش نویس مذکور، قرار گرفته بود^(۲). با این بیان و با توجه به مسئولیت مذکور، امکان استفاده از ابزارهای نظارتی همچون سؤال و استیضاح^(۳) برای مجلس نسبت به ایشان به رسمیت شناخته شده بود.

اصل شصت و نهم پیش نویس قانون اساسی در خصوص سؤال از وزرا مقرر می داشت: «در هر مورد که نماینده ای از وزیر مسئول درباره موضوعی از وظایف او سؤال کند، آن وزیر موظف به جواب است و جواب نباید بیش از ده روز به تأخیر بیفتد مگر با عذر موجه».

۱. اصل هشتاد و هشتم پیش نویس در این زمینه بیان می داشت: رئیس جمهور در حدود اختیارات خویش در برابر ملت مسئول است.

۲. اصل یکصد و نهم پیش نویس قانون اساسی مقرر می داشت: هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر مجلس است، ولی در اموری که به تصویب هیأت وزیران می رسد، مسئول اعمال دیگران نیز هست.

۳. اصل هفتادم پیش نویس قانون اساسی.

گروه بررسی اصول، این اصل را تکمیل کرده، قید «به تشخیص مجلس شورای ملی» را به ذیل آن اضافه، و به مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ارائه نمود. این مجلس نیز اصل پیشنهادی را در جلسه سی و چهارم خود در تاریخ هفتم مهرماه ۱۳۵۸، در دستور کار قرار داد و اصل مذکور با تغییراتی به شکل زیر با شصت رأی موافق، یک رأی مخالف و دو رأی ممتنع از مجموع شصت و سه رأی، مورد تصویب قرار گرفت:

«در هر مورد که نماینده‌ای از وزیر مسئول درباره یکی از وظایف او سؤال کند، آن وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید بیش از دوازده روز به تأخیر افتد، مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای ملی»^(۱).

بر پایه آنچه بیان شد در قانون اساسی پیش از بازنگری، ترتیب خاصی برای نحوه سؤال از رئیس‌جمهور و نیز نخست‌وزیر در مجلس شورای اسلامی در نظر گرفته نشده بود و تنها اصل مورد اشاره، برای بیان نحوه سؤال از وزرا به تصویب رسید. این عدم امکان سؤال از رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر معایر با اصل پاسخگویی تلقی می‌شد که با بازنگری در قانون اساسی و حذف پست نخست‌وزیری و افزایش اختیارات اجرایی رئیس‌جمهور، این مقام نیز مشمول مقررات مربوط به سؤال نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرار گرفت. با این بیان در اصل هشتاد و هشتم نیز، سؤال از رئیس‌جمهور با نصاب متفاوت یک‌چهارم نمایندگان مجلس و اعطای مهلت یک‌ماهه برای پاسخگویی، در کنار سؤال از وزرا، در جلسه بیست و پنجم شورای بازنگری مورخ یکم تیرماه ۱۳۶۸، افزوده شد و اصل مذکور به شکل کنونی اصلاح و به تصویب رسید^(۲).

۲. سؤال مجلس از وزرا و رئیس‌جمهور در قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی: از آنجایی که ایفای وظایف قانونی و نظارتی مجلس شورای اسلامی از جمله سؤال از مقامات اجرایی، عمدتاً مبتنی بر آیین‌نامه داخلی آن می‌باشد، لذا توجه به نحوه استفاده از این ابزار نظارتی مجلس در تطور زمانی و ادوار مختلف آیین‌نامه مذکور، لازم و ضروری است.

۱. رک: صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، تهران:

اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، جلسه سی و چهارم، صص ۸۹۴-۹۰۰.

۲. رک: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲،

چاپ اول، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹، جلسه

بیست و پنجم، صص ۹۵۴-۹۵۷.

در اولین آیین‌نامه داخلی مجلس (مصوب ۱۳۶۱) نحوه سؤال از وزیر و دولت، در مواد (۱۴۵) تا (۱۴۷) گنجانده شده بود. همچنین بر اساس این آیین‌نامه، مدت سؤال از وزیر توسط نماینده حداکثر ۱۵ دقیقه و زمان پاسخگویی وزیر نیز حداکثر ۱۵ دقیقه، مقرر شده بود^(۱). همچنین تبصره‌ای برای امکان انصراف نماینده سؤال‌کننده از سؤال خود بر اساس قانون اصلاح برخی از مواد آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (مصوب ۱۳۶۳)، به ماده (۱۴۷) الحاق گردید. ماده (۱۴۶) این قانون نیز درباره چگونگی عمل در خصوص عدم اقیاع نماینده سؤال‌کننده، در آذرماه ۱۳۷۱ اصلاح گردید.

مواد (۱۹۳) تا (۱۹۵) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس (مصوب ۱۳۷۸) نیز حاوی احکام مربوط به سؤال از وزیر مسئول، و مواد (۱۹۶) و (۱۹۷) آن نیز در بردارنده احکام و چگونگی سؤال از رئیس‌جمهور بر اساس اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی بود.

طی چند سال حکومت این قانون و اصلاحات دیگری بر آن، شیوه سؤال از وزرا و رئیس‌جمهور نیز دستخوش تغییرات و اصلاحاتی گردید و برخی احکام نیز بدان ملحق و به صورت مفصل نحوه اعمال این ابزار نظارتی مجلس بر قوه مجریه، مورد اشعار قانون‌گذار قرار گرفت. مواد (۱۹۳) تا (۱۹۵) این قانون در خصوص نحوه سؤال از وزیر مسئول، و مواد (۱۹۶) و (۱۹۷) آن در خصوص چگونگی سؤال از رئیس‌جمهور است.

سؤال از رئیس‌جمهور که در نظام جمهوری اسلامی هرگز عملی نشده بود، برای اولین بار در دوره مجلس هشتم در بهمن‌ماه ۱۳۹۰، طرح سؤال از رئیس‌جمهور طبق ماده (۱۹۶) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، پس از ارجاع به کمیسیون‌های تخصصی، استماع پاسخ‌های نمایندگان رئیس‌جمهور و قانع نشدن نمایندگان سؤال‌کننده، در صحن علنی مجلس اعلام وصول و رئیس‌جمهور برای پاسخ به نمایندگان مجلس، یک‌ماه بعد در مجلس حاضر شد. تجربه مذکور باعث شد که نمایندگان مجلس در ابتدای سال ۱۳۹۱ طرحی دوفوریتی برای جبران ضعف‌های آیین‌نامه مذکور و مترتب نمودن آثار عملی و ضمانت اجرای بیشتر بر سؤال از رئیس‌جمهور، ارائه نمایند. طرح مذکور نیز پس از رفع ایرادات شورای نگهبان، در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۱ به تصویب رسید^(۲).

۱. بند «۴» ماده (۷۶) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (مصوب ۱۳۶۲).

۲. جهت مشاهده نظرات استدلالی شورای نگهبان در خصوص طرح مذکور نگ به:

۳-۱. مطالعه تطبیقی

به جهت نگاه تطبیقی در سایر نظام‌های سیاسی نیز، باید ابتدائاً بیان نمود که تحلیل ماهیت و اهمیت نظارت پارلمان و به تبع آن، استفاده از ابزارهای نظارتی این نهاد، بستگی به نوع نظام سیاسی حاکم بر کشورها و جایگاه این نهاد در میان قوای حکومتی و نظام تفکیک قوا دارد که در نظام‌های سیاسی ریاستی، پارلمانی و نیمه‌ریاستی-نیمه پارلمانی متفاوت است. ملاک دسته‌بندی الگوهای حکومتی مذکور، چگونگی روابط و تعامل قوا با یکدیگر می‌باشد، به عبارت دیگر هر اندازه که یک نظام سیاسی به اقتدار و مشروعیت قوه مقننه اهمیت بیشتری داده باشد و میزان پاسخگویی و نظارت پارلمان بر دولت افزون‌تر باشد، نوع حکومت به مدل پارلمانی، و هرچه میزان مسئولیت دولت در برابر پارلمان کمتر باشد، نوع حکومت به مدل ریاستی نزدیک‌تر می‌باشد. بنابراین مهمترین شاخصه در تعیین مدل حکومت‌ها، میزان مسئولیت سیاسی دولت در مقابل قوه مقننه است^(۱).

در اغلب کشورها، رؤسای جمهور (که غالباً رئیس کشور نیز هستند) در دوره تصدی این منصب از مسئولیت سیاسی مبرا بوده^(۲) و در مقابل قوه مقننه پاسخگو نمی‌باشند و این نهاد نمی‌تواند بر آن‌ها نظارت سیاسی و پارلمانی داشته باشد. بر این اساس در مدل رژیم ریاستی و به طور مشخص در ایالات متحده آمریکا، از آنجا که وزیران همگی از سوی رئیس‌جمهور تعیین و منصوب می‌شوند، در مقابل وی مسئول بوده و در مقابل کنگره مسئولیتی ندارند^(۳) و بالتبع کنگره نیز امکان نظارت و یا ساقط نمودن دولت را ندارد.

در نظام سیاسی پارلمانی و به عنوان نمونه در انگلستان نیز، از آنجایی که حاکمیت از طریق انتخابات از طرف مردم به پارلمان سپرده می‌شود و از سوی پارلمان به هیأت دولت داده می‌شود^(۴)، بنابراین پارلمان پاسخگوی مردم و هیأت دولت پاسخگویی

۱. بوشهری، جعفر. مسایل حقوق اساسی، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۶، ص ۶۳.

۲. البته در ایالات متحده آمریکا، امکان محاکمه رئیس‌جمهور در صورت خیانت به کشور، ارتشاء یا ارتکاب به سایر جرایم مهم وجود دارد (بند «۴» اصل دوم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا)، همچنین در فرانسه، اصل عدم مسئولیت رئیس‌جمهور در انجام وظایف محوله، در مورد ارتکاب خیانت بزرگ، اجرا نمی‌شود (اصل ۶۸ قانون اساسی فرانسه).

۳. قاضی، ابوالفضل. بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ شانزدهم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳، ص ۱۷۵.

۴. قاضی، ابوالفضل. پیشین، ص ۱۷۷.

کارکرد خود در برابر پارلمان بوده و امکان نظارت بر عملکرد هیأت دولت از طریق اقداماتی همچون سؤال و استیضاح و یا ساقط نمودن دولت وجود دارد^(۱). در این کشور استفاده از سؤال در مجلس عوام دارای ویژگی‌های مشخصی است و نمایندگان نمی‌توانند مبادرت به انجام هر سؤالی از دولت نمایند؛ برای نمونه سؤال باید مستقیماً مربوط به اموری باشد که در صلاحیت وزرا یا معاونین ایشان است. همچنین سؤالات نمایندگان نباید مبهم، طعنه‌آمیز، وسیع و یا فاقد پایه و اساس باشد. در مجلس عوام امکان سؤال شفاهی نیز وجود دارد که به اکثر آن‌ها به صورت کتبی پاسخ داده می‌شود. این امر به این دلیل است که تا شروع قرن بیستم میلادی سازوکار سؤال کتبی به کار برده نمی‌شد و هیچ محدودیت زمانی نیز در مورد سؤالات شفاهی وجود نداشت. سؤالات کتبی نیز به دو صورت وجود دارد: سؤالات کتبی عادی و سؤالات مطرح شده برای دریافت پاسخ در روز معین^(۲).

در مجلس اعیان نیز امکان سؤال برای اعضای آن جهت بررسی و کنترل اعمال دولت و کسب اطلاع از قوه مجریه وجود دارد. تعداد سؤالاتی که در مجلس اعیان مطرح می‌شود به مراتب کمتر از مجلس عوام است. همچنین در مجلس اعیان، سؤالاتی که بازتاب‌هایی بر خانواده سلطنتی داشته باشد و یا سؤالاتی که مربوط به کلیسای انگلستان بوده و یا حاوی محتوای اهانت‌آمیزی باشد، قابلیت طرح نداشته و پذیرفته نمی‌شود^(۳).

در نظام سیاسی فرانسه به عنوان نماینده مدل رژیم نیمه‌ریاستی - نیمه‌پارلمانی، علی‌رغم مبرا بودن رئیس‌جمهور از مسئولیت سیاسی، ولی با توجه به اینکه نخست‌وزیر و وزیران در برابر پارلمان مسئولیت سیاسی دارند و باید پاسخگوی اعمال خود و قوه مجریه باشند، امکان سؤال از هر یک از وزرا و هیأت دولت وجود دارد و اعضای پارلمان می‌توانند با استفاده از این نوع نظارت، توضیحاتی در مورد عملکرد، تصمیمات

۱. پروین، خیرالله و فیروز اصلانی. اصول و مبانی حقوق اساسی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱، ص ۲۰۹.

2. Mark Sandford, **Parliamentary Questions: recent issues**, briefing paper, No 04148: House of Commons, May 2015. Available Online at: <http://researchbriefings.files.parliament.uk/documents/SN04148/SN04148.pdf>

۳. زارعی، محمدحسین. مطالعه تطبیقی مجالس قانون‌گذاری، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۹.

برای اطلاعات بیشتر در خصوص نحوه سؤال در مجلس اعیان انگلیس، نگ به:

<http://www.parliament.uk/about/how/business/written-answers>

و مصوبات دولت بخواهند. آیین نامه داخلی دو مجلس فرانسه، انواع مختلفی از سؤال را پیش‌بینی نموده است. از جمله آن‌ها، سؤالات کتبی است که توسط یک نماینده و خطاب به وزیر بدون هر گونه مذاکره‌ای در مجلس انجام می‌شود و وزیر مسئول موظف است ظرف دو ماه، پاسخ خویش را ارائه نماید. نوع دیگر سؤال، سؤال شفاهی است که ممکن است بدون مذاکره و یا با مذاکره با توجه به وقت محدود مجلس انجام شود. سؤال از دولت نوع دیگری از سؤالات شفاهی نمایندگان است که معمولاً در مجلس ملی با حضور همه اعضای وزرا و شخص نخست‌وزیر برگزار می‌شود^(۱).

۲. تحلیل موضوع

قانون‌گذار اساسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، طبق اصل پنجاه و ششم، حاکمیت مطلق بر جهان و انسان را از آن خداوند دانسته که او نیز، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. لذا بر اساس اصل مذکور حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش موهبتی الهی است که هیچ‌کس حق ندارد آن را از انسان سلب نماید. مضاف بر اینکه یکی از اساسی‌ترین پایه‌های استواری هر نظام سیاسی، به خصوص حکومت اسلامی، مشارکت مردم در سرنوشت خویش و توجه به علایق و خواست آنان در اداره جامعه است. بر همین اساس، می‌توان یکی از جلوه‌های حاکمیت بر سرنوشت مورد اشعار قانون‌گذار اساسی را در اصل ششم قانون اساسی، در تجلی اراده مردم در اداره امور کشور و اتکاء به آراء عمومی جستجو نمود. نکته دیگر اینکه بر اساس اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی، قوای مقننه و مجریه از جمله قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران می‌باشند که ضمن استقلال از یکدیگر، زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت اعمال حاکمیت می‌نمایند. از سوی دیگر، بر

۱. زارعی، محمدحسین. پیشین، صص ۳۱۵-۳۱۸. همچنین برای مطالعه نحوه سؤال در مجالس ملی و سنای فرانسه، نگ به:

1. Le Règlement De l'Assemblée Nationale: Titre III – Contrôle Parlementaire, Première Partie, Information, Évaluation Et Contrôle, Chapitre II: Questions (articles 133 à 135). Available Online at:

[http://www2.assemblee-nationale.fr/questions/detail/14/qg/1642/\(vue\)/pdf](http://www2.assemblee-nationale.fr/questions/detail/14/qg/1642/(vue)/pdf)

2. Standing Order of The Senate, Chapter XII: Written and Oral Questions (Articles 74 to 83). Available Online at:

http://www.senat.fr/fileadmin/Fichiers/Images/Ing/Standing_orders_of_the_Senate.pdf

اساس اصل پنجاه و هشتم، قانون‌گذار اساسی، اعمال قوه مقننه را از طریق مجلس شورای اسلامی که متشکل از نمایندگان منتخب مردم می‌باشد، دانسته است، بنابراین مسئولیت مقامات قوه مجریه در مقابل مجلس و اعمال نظارت‌های این نهاد بر مقامات اجرایی مذکور، نوعی پاسخگویی مسئولین در مقابل مردم محسوب می‌شود. امری که توجه به آن در قالب مقوله احترام به افکار مردم و در جریان قرارداد و لزوم مشورت با آنان در زمینه‌های گوناگون^(۱) در کلام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) متجلی شده است. با این بیان می‌توان مسئولیت و لزوم پاسخگو بودن مقامات مذکور و امکان نظارت بر آنان از طریق نمایندگان منتخب مردم و سؤال از مقامات مذکور را، به نوعی از لوازم مشارکت عمومی و اعمال حاکمیت مردم به طور غیرمستقیم دانست. از سوی دیگر، نیز می‌توان بر لزوم پاسخگویی حاکمان با توجه به اهداف حکومت، استدلال کرد. دو وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در کنار نصیحت ائمه مسلمین از عناوینی است که در کتب و منابع فقهی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است^(۲). قانون اساسی جمهوری اسلامی

۱. امیرمؤمنان (علیه‌السلام) در نامه‌ای به فرماندهان سپاه، برخی از حقوق مردم بر رهبر را برشمرده و می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَنْ لَا أُخْتَجَزَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ، وَ لَا أُطَوَّى دُونَكُمْ أَمْرًا إِلَّا فِي حُكْمٍ...» ... حق شما بر من است که رازی را از شما پنهان نکنم، مگر در مورد جنگ و کاری را بدون رأی زدن با شما انجام ندهم، مگر در مورد حکم شرع...؛ **نهج البلاغه**، نامه ۵۰.

۲. «النصيحة لأئمة المسلمين» تعبیری آشنا و پرسابقه در فرهنگ سیاسی اسلام است که ریشه در قرآن و روایات دارد و بر اساس آن، همه مردم حق دارند زمامداران را نصیحت و آرا و نظریات خیرخواهانه خود را برای اطلاع‌رسانی و راهنمایی کارگزاران حکومت از اوضاع و احوال جامعه یا برای اصلاح و کنترل رفتار آنان مطرح سازند. برای دیدن آیات روایات مذکور در این زمینه ر.ک: سوره مبارکه اعراف/ آیات ۶۲، ۶۸ و ۷۹، **نهج البلاغه/ خطبه ۳۴**؛ کاشانی، محمدمحسن فیض، الوافی، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، الطبعة الاولى، اصفهان: ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۹۹، مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۳ ق، ج ۲۷، کتاب الامامة، باب ۳.

«امر به معروف و نهی از منکر»، نیز یکی از فروع دین و یک وظیفه همگانی در جهت رواج خوبی‌ها و جلوگیری از گسترش زشتی‌ها در جامعه است که جایگاه و اهمیت آن در اسلام بر کسی پوشیده نیست. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: باب امر به معروف و نهی از منکر در کتب فقهی از جمله: خمینی (امام)، سیدروح‌الله. **تحریر الوسیله**، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(۳)، الطبعة الاولى، طهران: ۱۴۲۱، صص ۳۶۱-۳۸۵؛ جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی. **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، المحشی بحاشیه سید محمد کلاتر، کتابفروشی دآوری، الطبعة الاولى، قم: ۱۴۱۰ ق، ج ۲، صص ۴۰۹-۴۲۰ و همچنین طلابکی طرقی، اکبر. **بررسی تحلیلی نحوه تحقق اصل هشتم قانون اساسی با نگاهی به الگوی نهاد ملی حقوق بشر و نهاد حسبه**، رساله دکتری حقوق عمومی، دانشگاه تهران، اسفند ۱۳۹۱.

ایران نیز به پیروی از اندیشه دینی نصیحت ائمه مسلمین و امر به معروف و نهی از منکر^(۱)، از همین منطق پیروی کرده و در اصول گوناگون از جمله اصل هشتاد و هشتم زمینه نظارت بر زمامداران را فراهم آورده است.

۲-۱. سؤال از وزیر

به موجب قسمتی از اصل هشتاد و هشتم که در برگیرنده سؤال از وزیر مسئول است، قانون‌گذار اساسی اشعار می‌دارد:

«در هر مورد که... هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول، درباره یکی از وظایف (وی) سؤال کنند... وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید... پیش از ده روز به تأخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی».

همانگونه که در پیشینه مربوط به اصل اشاره شد، سؤال از وزیر در اصل هشتاد و هشتم سابق و قبل از بازنگری در قانون اساسی نیز مورد توجه تدوین‌کنندگان قانون اساسی قرار گرفته بود. اصل سابق اشعار می‌داشت: «در هر مورد که نماینده‌ای از وزیر مسئول درباره یکی از وظایف او سؤال کند، آن وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید بیش از ده روز به تأخیر افتد، مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای ملی». همانگونه که مشاهده می‌گردد، کیفیت سؤال از وزیر پس از بازنگری، همانند اصل سابق است و تنها برخی اصلاحات ویرایشی در کنار الحاق سؤال از رئیس‌جمهور به اصل، در آن انجام شده است. در خصوص این قسمت از اصل هشتاد و هشتم و سؤال از وزیر برخی نکات قابل طرح است که در ادامه بدان اشاره می‌شود:

۱. در جلسه بررسی اصل مذکور در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، برخی از اعضاء با ایراد پاره‌ای اشکالات، اساس اصل را زیر سؤال برده و اشاره می‌نمایند که با وجود استیضاح، دیگر نیازی به وجود چنین اصلی وجود ندارد. ایشان برای مخالفت خود به برخی دلایل از جمله مبهم و نارسا بودن و همچنین مطلق بودن آن اشاره

۱. اصل هشتم قانون اساسی با عنایت به همه فوایدی که نصیحت، خیرخواهی و امر به معروف و نهی از منکر در کنترل حکومت و قدرتمندان دارد، اشعار می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند».

می‌نمایند^(۱). در پاسخ به این اشکال نبیان شده است که اولاً حق سؤال مرحله‌ای از بازخواست وزرا درباره حوزه فعالیت آنان و دفاع از حقوق مردم است^(۲) بدین جهت است که در اصل بیان شده است که سؤال باید درباره یکی از وظایف وزیر باشد، ثانیاً چنانچه طرح علنی سؤال یا پاسخ وزیر، برخلاف مصلحت عمومی باشد، وزیر می‌تواند تقاضای جلسه غیرعلنی نماید و پاسخ را در جلسه غیرعلنی بیان کند^(۳). بنابراین می‌توان یکی از مصادیق درخواست جلسه غیرعلنی بر اساس اصل شصت و نهم توسط وزیر را در صورت ضرورت، مورد مذکور دانست^(۴).

۲. با توجه به اینکه نمایندگان مجلس شورای اسلامی منتخبین مردم بوده و نیز بر اساس سوگندی که طبق اصل شصت و هفتم قانون اساسی ادا می‌نمایند، و همچنین بر اساس اصل هشتاد و چهارم، هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول می‌باشد، لذا حق اظهار نظر «در همه» مسائل داخلی و خارجی کشور را دارد. با این بیان می‌توان نتیجه گرفت که برای ادای مسئولیت مذکور و با توجه به مسئولیت سیاسی وزرا در مقابل مجلس، «هر نماینده» می‌تواند طبق صدر اصل هشتاد و هشتم، «در هر مورد» از وزیر مسئول سؤال نماید. این حق سؤال از وزیر مسئول برای هر یک از نمایندگان، منطقی به نظر می‌رسد؛ چراکه جایگاه نمایندگی به لحاظ انتخاب مستقیم از سوی مردم در حوزه انتخابیه خود، برتر از موقعیت سیاسی وزیر است که توسط رئیس‌جمهور و با

۱. فاتحی - با وجود اختیار استیضاح هر یک از وزرا، نیازی به «حق سؤال» نیست. افزون بر آن، اصل به اندازه‌ای مطلق و گسترده و مبهم تنظیم شده است که نتیجه‌ای جز درگیری، تضییع وقت و به تأخیر انداختن امور نیست... اطلاق اصل، که هر نماینده، در هر موردی بتواند بر اساس تمایل شخصی خود - هر چند با مخالفت بقیه نمایندگان - سؤال کند یا سؤالی مطرح کند که طرح پاسخ آن، بصورت علنی، برخلاف مصالح عمومی باشد...؛ پیشین، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۲، ص ۸۹۷.

۲. مکارم‌شیرازی - گاه وزیر در حوزه‌ای خاص تخلف می‌کند. نمایندگان مردم باید حق داشته باشند داد مردم را در مجلس بزنند... کار نماینده فقط تصویب قوانین نیست، دفاع از حقوق مردم، در حوزه انتخابیه نیز هست... این حداقل حقی است که به نماینده داده می‌شود (که از وزیر سؤال کند)...؛ پیشین، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۲، ص ۸۹۸.

۳. همان.

۴. قسمتی از اصل مذکور مقرر می‌دارد: «در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس‌جمهور یا یکی از وزرا یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود...».

تأیید مجلس منصوب می‌شود^(۱). البته در این خصوص می‌توان بیان نمود که عدم استفاده صحیح نمایندگان از این ابراز نظارتی مجلس شورای اسلامی و بعضاً سوءاستفاده از آن و به نوعی اصطلاحاً گروکشی از وزرا در این زمینه، باعث شده است تا وزاری مورد سؤال، وقت زیادی را بابت پاسخ به سؤالات بعضاً بی‌مورد در مجلس گذرانده و از وظایف اجرایی خود تا حدودی دور شده و تجربه عملی در این خصوص، نیاز به اصلاح نصاب مذکور در اصل هشتاد و هشتم و افزایش آن به تعداد بیشتری از نمایندگان را به ذهن متبادر نماید.

۳. نکته دیگر که باید در این خصوص مورد توجه قرار گیرد آن است که، باید سؤال از وزیر در حوزه صلاحیت او بوده و به تأکید خود اصل «درباره یکی از وظایف» وی باشد. مختصراً آن که؛ چون وزرا مسئول مستقیم اجرای قوانین می‌باشند و بر اساس ذیل اصل یکصد و سی و سوم قانون اساسی، وظایف هر یک از آنان را قانون معین می‌کند، لذا باید از وظایف قانونی وزیر سؤال گردد، وظایفی که در قوانین مختلف برای وزیر به عنوان تکلیف قانونی مشخص شده است و یا اینکه ممکن است انجام برخی احکام مصرح در قوانین، مربوط به وظایف وزراتخانه متبوع او باشد، که تنها در صور مذکور است که نمایندگان می‌توانند از وزیر مسئول سؤال نمایند. از مفهوم مخالف این امر می‌توان نتیجه گرفت که، چنانچه امری در حوزه اختیارات وزیری باشد، نمایندگان مجلس شورای اسلامی نمی‌توانند از آن حوزه از وزیر سؤال نموده و یا او را مورد بازخواست قرار دهند. البته ذکر این نکته نیز در این خصوص ضروری است که وزرا در اعمال اختیارات مذکور نیز باید طبق قوانین و مصالح کشور عمل نموده و نمی‌توانند به دلخواه و بدون دلیل به اعمال یا عدم اعمال اختیارات خویش بپردازند.

۴. هر نماینده فقط می‌تواند از وزیرانی که طبق قانون و با رأی اعتماد مجلس به عنوان وزیر تعیین شده باشند، سؤال کند. بنابراین سؤال از سایر مقامات اجرایی همچون معاونان رئیس‌جمهور یا رئیس بانک مرکزی و یا سایر اشخاص، محمل قانونی نخواهد داشت و موضوعاً از شمول اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی خارج است. شورای نگهبان نیز در نظریه تفسیری شماره ۱۰۱۸۴ خود در تاریخ ۱۳۶۲/۹/۲۹، ضمن

۱. عمیدزنجانی، عباسعلی. کلیات حقوق اساسی، چاپ سوم، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۷، ص ۲۸۲.

تأکید بر این امر، اذعان داشته است: «هر وزیری که طبق قانون و با رأی اعتماد مجلس به عنوان وزیر تعیین شده باشد، طبق اصل یکصدوسی و هفتم قانون اساسی در برابر مجلس مسئول است و مطابق اصل هشتاد و هشتم می‌توان از او سؤال کرد...»^(۱). بنابراین به نظر می‌رسد چنانچه وزارتخانه‌ای فاقد وزیر باشد و رئیس‌جمهور به استناد ذیل اصل یکصدوسی و پنجم قانون اساسی^(۲) اقدام به معرفی سرپرست برای وزارتخانه‌ای نماید، امکان نظارت بر مقام مذکور از طریق سؤال طبق قانون اساسی وجود ندارد و این یکی از ایراداتی است که نیازمند است در بازنگری قانون اساسی مد نظر قرار گیرد^(۳).

۵. از جمله نکات مهمی که در خصوص این اصل وجود دارد مربوط به عبارت «در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد» است. بر اساس عبارت مذکور، سؤال از وزرا و رئیس‌جمهور باید در مجلس عنوان و در مجلس نیز به آن پاسخ داده شود و خود مجلس در این امر دارای موضوعیت می‌باشد.

این امر مورد توجه اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی نیز قرار گرفته^(۴) و با توجه به اینکه طبق اصل پیشنهادی، محل سؤال و جواب معلوم نشده بود، مجلس به عنوان محل آن بر متن پیشنهادی افزوده شده است. بنابراین سایر سؤالاتی که نمایندگان خارج از این چارچوب عنوان می‌کنند حکم سؤالات عادی را داشته و نمی‌توان آن‌ها را در حکم سؤال موضوع اصل هشتاد و هشتم دانست. این نکته در نظریه تفسیری شماره م/۳۰۹۳ مورخ ۱۳۶۰/۵/۸ شورای نگهبان نیز، عنوان شده است. شورای مزبور در این نظریه بیان داشته است: «از دقت در اصول (۷۶)، (۸۴)، (۸۸)، (۱۳۴) و (۱۳۷) قانون اساسی استفاده می‌شود که دولت و وزرا در برابر مجلس و

۱. مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ ششم، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست‌جمهوری، ۱۳۸۶، ص ۱۸۷.

۲. «رئیس‌جمهور می‌تواند برای وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه‌ماه سرپرست تعیین نماید».

۳. البته به نظر می‌رسد می‌توان با تفسیر مضیق از اختیارات سرپرستان وزارتخانه‌ها، تا حدودی آثار منفی عدم امکان نظارت بر این مقامات را کاهش داد.

۴. سبحانی - آیا نباید روشن شود که این سؤال و جواب باید در مجلس انجام بگیرد و خارج از مجلس این سؤال‌ها مطرح نیست؟ مثلاً یک وکیل بگوید بیا در دفتر من یا خارج... نایب رئیس - از عبارت فهمیده می‌شود در مجلس است... پیشین، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۲، ص ۸۹۴.

نمایندگان مجلس مسئولند و سؤال نمایندگان باید در مجلس عنوان، و در مجلس به آن پاسخ داده شود و به غیر این صورت، سؤال نمایندگان از دولت و هر مقام اجرایی دیگر و پاسخ آن‌ها، حکم سؤال و پاسخ‌های عادی را دارد»^(۱).

۶. ممکن است در خصوص ضمانت اجراهای اصل هشتاد و هشتم نیز سؤالاتی مطرح گردد:

سؤال اول این است که ضمانت اجرای سؤال از وزیر چیست؟ و یا اینکه چنانچه وزیری در مجلس برای پاسخ به سؤال نماینده‌ای حاضر نشد و پاسخگویی سؤال مطرح شده نگردید، برای آن چه ضمانت اجرایی در نظر گرفته شده است؟

سؤالات مذکور در قالب ایراد برخی از اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی نیز مطرح^(۲) و در پاسخ بیان شده است که، برای ضمانت اجرای عدم حضور وزیر، لازم نیست او را زندان یا مجازات کنند. همین که به صورت علنی اعلام شود که وزیر پاسخ نماینده را نداده است، کم کم زمینه استیضاح او فراهم می‌شود^(۳). بنابراین طرح سؤال از وزیر توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی، فی‌نفسه می‌تواند آثار سیاسی در پی داشته باشد و بر مراقبت دستگاه‌های اجرایی نسبت به انجام بهتر وظایف خود بیفزاید^(۴)، ولی پیامد و ضمانت اجرای مستقیمی برای آن در اصل مذکور پیش‌بینی نشده است، البته با عنایت به مشروح مذاکرات، سؤال می‌تواند زمینه‌ساز اعمال ابزار شدیدتر نظارتی مجلس مانند استیضاح شود. قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی به عنوان مهمترین قانون پس از قانون اساسی در خصوص شیوه اعمال ابزار نظارتی سؤال و اجرای آن، عدم حضور وزیر در مجلس و کمیسیون را به منزله وارد بودن سؤال دانسته است^(۵). همچنین مطابق ماده (۲۱۱) قانون مذکور، چنانچه در هر دوره مجلس، سه‌بار نمایندگان مجلس رأی به وارد بودن سؤال به وزیر دهند، استیضاح

۱. پیشین، مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۳۶.

۲. آیت، سبحانی، فاتحی؛ پیشین، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، ص ۸۹۴ و ۸۹۷.

۳. مکارم شیرازی، همان، ص ۸۹۴.

۴. مهرپور، حسین. مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۷، ص ۱۸۶.

۵. تبصره «۱» ماده (۲۱۰) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۱).

وزیر مزبور در صورت رعایت مفاد اصل هشتادونهم قانون اساسی و آیین نامه داخلی، در دستور کار مجلس قرار خواهد گرفت.^(۱)

۷. نکته دیگری که در خصوص اصل پیشرو قابل بیان است مربوط به سؤال از هیأت وزیران است. ایرادی که به اصل هشتادوهشتم وارد است، عدم پیش بینی امکان سؤال از هیأت وزیران می باشد. توضیح مختصر آن که؛ بر اساس اصل یکصدوسی و هفتم قانون اساسی، هیأت وزیران دارای مسئولیت جمعی در برابر مجلس می باشند، بنابراین باید امکان نظارت بر مجموعه آن ها توسط ابزار نظارتی سؤال از سوی نمایندگان مجلس وجود داشته باشد و غیر از آن که می توان از هر وزیری سؤال کرد، باید بتوان از هیأت وزیران نیز سؤال کرد. این ایراد در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی نیز از سوی برخی از اعضاء مطرح شده است^(۲)، البته نایب رئیس مجلس مذکور، ایراد مطرح شده را رد کرده^(۳) و اصل هشتادوهشتم در مورد امکان سؤال از هیأت وزیران ساکت مانده است. نکته دیگر در خصوص این اصل و پیش از بازنگری، در مورد سؤال از نخست وزیر است که علی رغم مسئولیت نخست وزیر طبق اصل یکصدوسی و چهارم سابق، امکان سؤال از وی با توجه به اینکه برخی از دستگاه های اجرایی نیز زیر نظر مقام مذکور فعالیت می کردند، وجود نداشت. شورای نگهبان نیز در پاسخ به سؤال تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی مبنی بر امکان سؤال از نخست وزیر با توجه به اینکه وی مسئول برخی از امور است نه وزرا، پاسخ منفی داده است. شورای مذکور در این

۱. البته به نظرمی رسد سیاق این عبارت که در قانون آیین نامه داخلی مجلس مورد اشاره قرار گرفته است فاقد معنا و مفهوم است. چراکه در هر صورت برای استیضاح باید روال قانونی طی شده و نصاب مورد نیاز و امضاهای لازم اخذ شود چه این امر مسبوق به سؤال و وارد بودن آن باشد و چه نباشد.

۲. آیت - مسأله دیگر این است که فقط در مورد یکی از وزرا گفته شده است، بلکه وکیل از کل هیأت وزرا خواست سؤال کند... (زیرا) مسائلی پیش می آید که در حد مملکت است... یک مسائلی هست که در مملکت در صلاحیت هیأت وزرا است... من معتقدم این جمله هم باید بیاید... در هر موردی که نماینده ای از وزیر مسئول یا هیأت وزرا...؛ پیشین، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، صص ۸۹۴-۸۹۵.

۳. نایب رئیس - سرانجام هرکاری به یک وزارتخانه مربوط می شود و تقسیم کار در هیأت وزیران، به این معنا است، اگر به چند وزیر مربوط باشد، می توانند از یکایک آنان سؤال کنند (پس نیازی به ذکر عبارت هیأت وزیران در اصل نیست)؛ پیشین، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، صص ۸۹۴.

خصوص طی نظریه تفسیری^(۱) شماره ۳۳۹۱ مورخ ۱۳۶۴/۲/۲۵ بیانداشته است: «به موجب اصل مذکور، نمایندگان فقط حق سؤال از وزیر مسئول را دارند»^(۲). در کنار مصونیتی که مقام نخست‌وزیر پیش از بازنگری در قانون اساسی از آن در مقابل سؤال نمایندگان برخوردار بود، به نظر می‌رسد یکی از ایرادات و مشکلات مهم و اساسی موجود در قانون اساسی، عدم امکان نظارت بر معاون اول رئیس‌جمهور است که از جایگاه خطیری برخوردار است و حتی می‌توان جایگاه وی را بالاتر از وزرا به حساب آورد ولی این مقام از نظارت و سؤال نمایندگان مصون بوده و نمی‌توان طبق قانون اساسی بر وی نظارت نموده و این مقام را مورد بازخواست قرار داد.

۸. نکته دیگر در خصوص سؤال از وزیر در قسمتی از اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی، مربوط به مهلت دهروزه مذکور در این اصل برای حضور وزیر در مجلس و پاسخ به سؤال نماینده و یا نمایندگان مجلس شورای اسلامی است. در این خصوص برخی سؤالات قابل طرح می‌باشند:

الف) لزوم ادای پاسخ در ظرف مدت دهروزه، آیا تنها مخصوص به وزیر است یا مجلس هم مجبور است که در ظرف همین مدت رسیدگی به سؤال را در دستور قرار دهد؟
 ب) اگر مجلس مجبور به انجام آن در همین مدت دهروزه است، تکلیف آن با فوریت‌ها و سایر برنامه‌های زمان‌بندی‌شده و دستورات از پیش اعلان‌شده چیست که گاهی چند هفته طول می‌کشد؟
 ج) در صورت تسری حکم محدودیت دهروزه به مجلس، جواز تأخیر با اجازه مجلس مخصوص وزیر است یا خود مجلس هم می‌تواند با تصویب خود انجام پاسخ را به تأخیر بیاورد؟

۱. به نقل از وب‌سایت رسمی شورای نگهبان به آدرس:

<http://b2n.ir/www.shora-gc.ir/Portal1>

۲. شورای مذکور همچنین در خصوص طرح آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، مصوب جلسه مورخ ۱۳۶۱/۱/۱۹، که امکان سؤال از نخست‌وزیر را مطرح کرده بود، با استناد به اینکه «در اصل هشتاد و هشتم تصریح شده که نماینده از وزیر مسئول می‌تواند سؤال کند و سؤال به مفهوم مذکور در قانون اساسی از نخست‌وزیر پیش‌بینی نشده است»، مواد (۱۴۷) و (۱۳۸) طرح مذکور را، مغایر قانون اساسی شناخته است؛ موسی‌زاده، ابراهیم و همکاران. *دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، بی‌تا، ص ۵۲۵.

شورای نگهبان طی نظریه مشورتی شماره ۱۰۲۴ مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۲، در پاسخ به سؤالات مطرح شده از سوی رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۶۲/۹/۲۸، چنین بیان داشته است: «مستفاد از اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی این است که وزیر جواب سؤال نماینده را باید ظرف ده روز بدهد. و با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی تأخیر جواب از ده روز امکان دارد و نسبت به اختیار مجلس در تأخیر از ده روز در تعیین وقت برای جواب، اگرچه قانون اساسی ساکت است ولی با توجه به اینکه مقصود این است که نمایندگان بتوانند همیشه مسائل جاری کشور را تحت سؤال قرار دهند و ظرف مدت کوتاهی جواب بگیرند و با توجه به اینکه تأخیر وزیر در جواب با عذر موجه جایز است، تأخیر مجلس در تعیین وقت جواب نیز با عذر موجه اشکال ندارد»^(۱). شورای مذکور همچنین با توجه به ذیل اصل هشتاد و هشتم که مقرر می‌دارد «مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی» و جهت تأکید بر ضرورت تشخیص عذر موجه توسط خود مجلس، در ادامه نظریه مذکور بیان داشته است: «بدیهی است موارد عذر موجه موکول به نظر مجلس شورای اسلامی است»^(۲).

۹. یکی دیگر از نکاتی که در خصوص سؤال از وزیر قابل توجه است، سؤال از وزیر دادگستری است. مختصراً آن‌که؛ طبق اصل یکصد و شصتم قانون اساسی، وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوطه به روابط قوه قضاییه با سایر قوا را بر عهده دارد و همچنین طبق ذیل اصل مذکور^(۳) می‌تواند در صورت تفویض توسط رئیس قوه قضاییه، عهده‌دار اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیرقضات قوه قضاییه گردد. در این صورت وزیر مذکور دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزرا به عنوان عالیترین مقام اجرایی پیش‌بینی می‌شود. بنابراین می‌توان از وزیر دادگستری در خصوص وظایفی که به عنوان یکی از اعضای قوه مجریه عهده‌دار آن‌هاست، سؤال نمود. شورای نگهبان در نظریه تفسیری شماره ۹۰۷۵ مورخ ۱۳۶۲/۴/۱۶، مبنی بر امکان سؤال از وزیر دادگستری در خصوص عملکرد

۱. پیشین، مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۳۷.

۲. همان.

۳. ذیل اصل یکصد و شصتم قانون اساسی در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ به اصل مذکور الحاق گردیده است.

دادگاه‌ها و مسئولان قضائی کشور، بیان داشته است: «در رابطه با سؤال نماینده مجلس شورای اسلامی از وزیر که در اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی مطرح است، وزیر دادگستری نیز در حدود وظایفی که در اصل یکصد و شصتم قانون اساسی برای او مقرر شده است، مسئول می‌باشد و علی‌هذا در رابطه با مسئولیت‌های قوه قضائیه، وزیر دادگستری مسئول نخواهد بود...»^(۱). بنابراین در این خصوص باید اشاره نمود که اگرچه ممکن است برخی از امور مفوضه به وزیر دادگستری در حوزه اختیارات رئیس قوه قضائیه باشد که به وی تفویض شده است، اما ممکن است ماهیت امور مذکور در حیطه امور قضایی و نه اجرایی قرار گیرد، لذا با توجه به نظریه مذکور شورای نگهبان امکان سؤال نمایندگان مجلس از حوزه‌های اشاره شده وزیر دادگستری خارج از موضوع اصل هشتاد و هشتم می‌باشد.

۱۰. نکته پایانی در خصوص شیوه سؤال از وزیر بر اساس قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی است.

مطابق ماده (۲۰۹) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۱)، سؤالات نمایندگان باید کتبی و صریح بوده و در فرم مخصوص که هیأت رئیسه تهیه می‌نماید توسط نماینده تنظیم و به هیأت رئیسه تسلیم شود و هیأت رئیسه نیز موظف است سؤال را فوری به کمیسیون تخصصی ذی‌ربط ارسال نماید^(۲). کمیسیون موظف است حداکثر ظرف مدت ده روز پس از وصول سؤال، جلسه‌ای با حضور وزیر و سؤال‌کننده تشکیل دهد و با استماع نظرات سؤال‌کننده و وزیر و بررسی‌های لازم، به موضوع رسیدگی کند^(۳). چنانچه سؤال‌کننده، توضیحات وزیر را قانع‌کننده نداند، کمیسیون با تعیین قلمرو «ملی» یا «منطقه‌ای» سؤال، بلافاصله نسبت به ارجاع سؤال ملی به هیأت رئیسه جهت اعلام وصول در اولین جلسه علنی اقدام می‌نماید^(۴). در رابطه با سؤال منطقه‌ای، کمیسیون موظف است حداکثر ظرف مدت ده روز نسبت به ارائه راه‌حل و ارسال گزارش به هیأت رئیسه مجلس و رئیس‌جمهور (توسط رئیس مجلس) اقدام نماید.

۱. پیشین، مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۱۶.

۲. بند «۱» ماده (۲۰۹) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۱).

۳. همان ماده، بند «۲».

۴. همان ماده، بند «۳».

هیأت رئیسه مساعی لازم نسبت به حل موضوع سؤال منطقه‌ای را به عمل می‌آورد. چنانچه پس از پانزده روز از ارجاع نامه کمیسیون، نماینده سؤال‌کننده همچنان موضوع را حل و فصل نشده بداند، از هیأت رئیسه درخواست طرح سؤال منطقه‌ای در جلسه علنی را می‌نماید. هیأت رئیسه موظف است در اولین جلسه علنی، سؤال منطقه‌ای را اعلام وصول و فوری به وزیر ابلاغ و به کمیسیون ذی‌ربط ارسال نماید. کمیسیون موظف است ظرف یک هفته گزارش نهایی را به هیأت رئیسه ارائه نماید^(۱).

طبق اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی، وزیر مورد سؤال مکلف است حداکثر ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ سؤال در مجلس حضور یافته و به سؤال پاسخ دهد مگر آن‌که وزیر به صورت رسمی و با عذر موجه تقاضای تأخیر حداکثر برای مدت ده روز داشته باشد که مجلس شورای اسلامی در این رابطه تصمیم‌گیری می‌نماید^(۲).

در جلسه علنی ابتدا گزارش کمیسیون متضمن طرح سؤال و بررسی‌های انجام شده توسط سخنگوی کمیسیون به مدت حداکثر پنج دقیقه مطرح می‌شود. سپس وزیر و نماینده سؤال‌کننده به ترتیب و هر کدام به مدت حداکثر پانزده دقیقه توضیحات خود را ارائه می‌دهند و در صورت قانع نشدن نماینده، رئیس جلسه نظر مجلس را در این مورد اخذ می‌کند. در صورتی که اکثر نمایندگان حاضر، نظر به وارد بودن سؤال نماینده یا نمایندگان بدهند رئیس مجلس موظف است موضوع را به رئیس‌جمهور جهت رسیدگی ارجاع نماید^(۳). در صورتی که سؤال توسط چند نماینده تنظیم گردد، نماینده منتخب سؤال‌کنندگان جهت توضیح سؤال در کمیسیون و صحن علنی باید در فرم مربوط به سؤال مشخص گردد^(۴).

۲-۲. سؤال از رئیس‌جمهور

همانگونه که پیشتر بیان شد، با بازنگری در قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و حذف پست نخست‌وزیری، رئیس‌جمهور ریاست دولت و تمام وظایف آن را بر عهده گرفت. بدین ترتیب، تمام حقوق و تکالیف نخست‌وزیر به رئیس‌جمهور انتقال یافته است.

۱. همان ماده، بند «۴».

۲. همان ماده، بند «۵».

۳. ماده (۲۱۰) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۱).

۴. همان ماده، تبصره «۴».

همچنین با طرح تمرکز در قوه مجریه که در شورای بازنگری مطرح شده بود، این سؤال پیش آمده بود که ایجاد تمرکز در قوه مجریه بدون پیش‌بینی کنترل‌های لازم توسط قوه مقننه، دغدغه تمرکز قدرت را به همراه خواهد داشت^(۱). بنابراین با بازنگری در قانون اساسی، اصل هشتاد و هشتم اصلاحی، رئیس‌جمهور را نیز در کنار وزرا، مشمول اصل نظارت مجلس با ابزار سؤال اعلام داشته و مقرر می‌دارد:

«در هر مورد که حداقل یک‌چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس‌جمهور... درباره یکی از وظایف (وی) سؤال کنند، رئیس‌جمهور... موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید... بیش از یک‌ماه... به تأخیر افتد، مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی».

ماهیت سیاسی سؤال از رئیس‌جمهور توسط حداقل یک‌چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی نمایانگر آن است که صلاحیت نظارت مجلس در بازنگری قانون اساسی افزایش یافته و تعادل قوا به ویژه بین دو قوه مقننه و مجریه، از تضمین بیشتری برخوردار شده است^(۲). اگرچه با عنایت به نظارت‌های مذکور و پاسخگویی بیشتر مقامات عالی قوه مجریه، می‌تواند باعث چرخش سنگینی ترازو تعادل قوا به سمت قوه مقننه شود.

در خصوص سؤال از رئیس‌جمهور طبق اصل هشتاد و هشتم برخی از نکات قابل طرح می‌باشند که ذیلاً مورد اشاره قرار خواهند گرفت:

۱. شاید بتوان اصلی‌ترین نکته قابل توجه در اصل هشتاد و هشتم در خصوص سؤال از رئیس‌جمهور را، مربوط به تعداد و نصاب نمایندگان سؤال‌کننده و عبارت «حداقل یک‌چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی» دانست. با توجه به اینکه پس از مقام رهبری، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است^(۳) و وظایف خطیری بر عهده دارد و همچنین با عنایت به اینکه وی دارای رأی مستقیم همه یا اکثریت ملت است، لذا شأن او نیز باید به نحو متناسب حفظ و رعایت گردد و نمی‌توان حق سؤال از وی را، همانند حق سؤال از وزیر، برای هر نماینده منطقی دانست.

۱. عمیدزنجانی، عباسعلی. پیشین، ص ۲۸۲.

۲. عمیدزنجانی، عباسعلی. پیشین، ص ۲۸۳.

۳. اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی.

همین امر و حفظ جایگاه مذکور برای رئیس‌جمهور، مورد توجه اعضای شورای بازنگری قانون اساسی نیز قرار گرفته است^(۱). البته در این خصوص یکی از اعضای شورای مذکور، جهت حفظ شأن رئیس‌جمهور، با نصاب یک‌چهارم مخالفت کرده و خواستار افزایش نصاب شده بود^(۲) که با مخالفت سایرین این موضوع محقق نشد. بنابراین بالا بودن نصاب و تعداد سؤال‌کنندگان از رئیس‌جمهور، این حُسن را به همراه خواهد داشت که، از یک سو، طرح سؤال توسط تعداد قلیلی از نمایندگان موجب حضور فراوان رئیس‌جمهور در مجلس نگردد تا وی بتواند وظایفش را به خوبی انجام دهد^(۳)، و از سوی دیگر، اگر راه برای سؤالات جدی باز گذاشته شود، می‌توان در مجلس روی آن‌ها بحث نمود^(۴).

۲. نکته دیگری که در خصوص سؤال از رئیس‌جمهور همانند سؤال از هر یک از وزرا مطرح است، مربوط به عبارت «درباره یکی از وظایف (وی)» می‌باشد. نکته‌ای که در این خصوص درباره سؤال از وظایف وزیر بیان شد، درباره سؤال از رئیس‌جمهور نیز قابل طرح بوده و تنها می‌توان رئیس‌جمهور را در خصوص یکی از وظایف قانونی وی، مورد سؤال قرار داد. توضیح مختصر آن‌که؛ علی‌رغم این‌که بر اساس اصل یکصد و بیست و دوم قانون اساسی، رئیس‌جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی بر عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است، ولی بر اساس اصل هشتاد و هشتم تنها می‌توان از وظایف قانونی او که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی عهده‌دار آن‌هاست، سؤال نمود. به عبارت دیگر قانون اساسی برخی از وظایف از جمله، اجرای قانون اساسی^(۵)،

۱. میرحسین موسوی - ما سؤال از رئیس‌جمهور را خیلی راحت نباید بگذاریم که دائم سؤال‌هایی بشود... رفت و آمد رئیس‌جمهور به مجلس تحت عنوان سؤال می‌تواند حیثیت و شأن او را پائین بیاورد و نتواند وظایف خودش را به خوبی انجام بدهد... برای همین این مسأله سخت گرفته شده و گفته شده که یک‌چهارم کل نماینده‌ها...؛ پیشین، صورت مشروع مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، ص ۹۵۴.

۲. محمد مؤمن - جمع کردن این تعداد رأی در مجلس، با توجه به گرایشات مختلف سیاسی در مجلس، کار دشواری نیست... برای این‌که شأن رئیس‌جمهور حفظ شود، بهتر است عدد را افزایش دهیم...؛ پیشین، صورت مشروع مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، ص ۹۵۵.

۳. هاشمی، سیدمحمد. پیشین، ص ۱۷۱.

۴. پیشین، صورت مشروع مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، ص ۹۵۷.

۵. اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی.

پاسداری از مذهب رسمی، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی^(۱)، امضای قوانین و نتایج همه‌پرسی پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی^(۲)، امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها پس از تصویب مجلس شورای اسلامی^(۳)، مسئولیت مستقیم امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور^(۴)، تعیین نهایی سفیران ایران و امضای استوارنامه آن‌ها و پذیرش استوارنامه سفیران سایر کشورها^(۵)، تعیین وزرا و معرفی به مجلس برای گرفتن رأی اعتماد^(۶) و ریاست شورای عالی امنیت ملی^(۷) را بر عهده رئیس‌جمهور قرار داده است. همچنین بر اساس قوانین عادی نیز رئیس‌جمهور دارای وظایف مشخصی است^(۸). بنابراین وظایف مذکور برای این مقام، وظایف قانونی محسوب شده و در این محدوده می‌توان از رئیس‌جمهور در مجلس طبق اصل هشتاد و هشتم، سؤال نمود.

بنابراین ماهیت سؤال از رئیس‌جمهور باید در بردارنده دو عنصر باشد؛ اولاً سؤال باید از وظایف باشد و ثانیاً این وظیفه متعلق به رئیس‌جمهور باشد. بنابراین با توجه به این امر، نمی‌توان از اختیارات رئیس‌جمهور سؤال نمود. مختصراً آن‌که؛ قانون اساسی در کنار وظایف مشخص، برای رئیس‌جمهور قائل به برخی از اختیارات از قبیل تعیین معاونین و معاون اول^(۹)، عزل وزرا^(۱۰)، تعیین نماینده ویژه^(۱۱)، اعطای نشان‌های دولتی^(۱۲) و سایر امور نیز شده است.

۱. اصل یکصد و بیست و یکم قانون اساسی.

۲. اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی.

۳. اصل یکصد و بیست و پنجم قانون اساسی.

۴. اصل یکصد و بیست و هشتم قانون اساسی.

۵. اصل یکصد و بیست و هشتم قانون اساسی.

۶. اصل یکصد و سی و سوم قانون اساسی.

۷. اصل یکصد و هفتاد و هشتم قانون اساسی.

۸. از جمله این قوانین می‌توان به قانون تعیین حدود، وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۶۵) اشاره نمود.

۹. اصل یکصد و بیست و چهارم قانون اساسی.

۱۰. اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی.

۱۱. اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی.

۱۲. اصل یکصد و بیست و نهم قانون اساسی.

بنابراین باتوجه به اینکه موارد مذکور ماهیتاً جزء اختیارات این مقام بوده نه وظایف او، لذا نمی‌تواند از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی مورد سؤال قرار گیرد^(۱). البته همانگونه که پیشتر در خصوص سوءاستفاده از اختیارات وزرا گذشت، رئیس‌جمهور نیز باید در اعمال اختیارات خویش رعایت قوانین و مصالح کشور را مدنظر قرار دهد.

نکته دیگر در این خصوص نیز آن است که ممکن است رئیس‌جمهور برخی از وظایف قانونی و غیرقائم به شخص خویش را، به دیگری و یا معاونان خود تفویض نماید. برای مثال طبق اصل یکصدویست‌وششم قانون اساسی، رئیس‌جمهور می‌تواند اداره امور برنامه و بودجه و اداری و استخدامی کشور را که مستقیماً بر عهده دارد، به عهده دیگری بگذارد، که در این صورت نیز می‌توان از وی در خصوص امور مذکور سؤال نمود. این امر مورد توجه شورای نگهبان نیز قرار گرفته و شورای مذکور در نظریه مشورتی خود به شماره ۵۴۷۷، در تاریخ ۱۳۷۲/۸/۲۳، بیان داشته است: «مجلس شورای اسلامی می‌تواند از رئیس‌جمهور و یا وزرا صرفاً در خصوص وظایفی که قانوناً بر عهده دارند و به دیگری تفویض کرده‌اند سؤال کند»^(۲).

۳. موضوع دیگری که در این رابطه مطرح می‌گردد، مربوط به مهلت پاسخگویی رئیس‌جمهور و عبارت «رئیس‌جمهور... موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید... بیش از یک‌ماه... به تأخیر افتد» در اصل هشتادوهشتم می‌باشد. در این خصوص دو نکته قابل طرح است:

اول آن که؛ همانگونه که در خصوص سؤال از هر یک از وزرا نیز بیان گردید، سؤال از رئیس‌جمهور نیز می‌بایست در مجلس شورای اسلامی عنوان و در مجلس نیز بدان پاسخ داده شود و مکان مجلس در این امر موضوعیت دارد. نکته دیگر نیز این است که با توجه به جایگاه، مشاغل و موقعیتی که برای مقام ریاست جمهوری متصور است، مهلت ده‌روزی که برای حداکثر تأخیر وزیر جهت حضور در مجلس و پاسخ به

۱. یکی از ایرادات ماهوی به طرح سؤال از رئیس‌جمهور که برای اولین بار در بهمن‌ماه ۱۳۹۰ ارائه شده بود، از همین امر ناشی می‌گردد. امری که مورد توجه نمایندگان سؤال‌کننده قرار نگرفته بود و برخی از سؤالات مطرح شده از جمله: چرایی برکناری وزیر سابق امور خارجه و یا چرایی اظهار نظر و تأیید نظریه ترویج مکتب ایرانی به جای مکتب اسلام توسط رئیس‌دفتر رئیس‌جمهوری، خارج از محدوده مقرر در سؤال از رئیس‌جمهور در اصل هشتادوهشتم بوده و صرفاً جزء اختیارات رئیس‌جمهور محسوب می‌شود.

۲. پیشین، مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۷۲.

سؤال نمایندگان، تعیین شده است، برای رئیس‌جمهور جهت پاسخگویی و حضور در مجلس شورای اسلامی، اندک به نظر می‌رسد و از این رو این مهلت برای رئیس‌جمهور در اصل هشتاد و هشتم، به یک‌ماه افزایش یافته است. از سوی دیگر نیز با توجه به شأن مذکور برای رئیس‌جمهور، وی نیازمند آمادگی بیشتر برای جواب قانع‌کننده و مستند در برابر سؤال نمایندگان مجلس شورای اسلامی با توجه به تأثیری که این مهم بر افکار عمومی خواهد داشت، می‌باشد^(۱)، که فرصت یک‌ماهه برای این امر نیز مناسب به نظر می‌رسد.

۴. موضوع دیگری که در این خصوص مطرح است، ضمانت اجرای عدم حضور رئیس‌جمهور و یا عدم پاسخگویی وی نسبت به سؤال مطرح شده از سوی یک‌چهارم نمایندگان مجلس شورای اسلامی است. اگرچه این ضمانت اجرا در خود اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی مورد توجه تدوین‌کنندگان قانون مذکور قرار نگرفته است، ولی این امر ممکن است زمینه را جهت اعمال ابزارهای شدیدتر نظارتی مجلس شورای اسلامی در خصوص رئیس‌جمهور از جمله استیضاح و عواقب آن، فراهم نماید. همچنین با توجه به تکلیف قانونی رئیس‌جمهور به حضور در مجلس، عدم حضور وی می‌تواند به نوعی «تخلف از وظایف قانونی» وی به شمار آمده و از مصادیق بند «۱۰» اصل یکصد و دهم قانون اساسی^(۲) باشد. مضاف بر این‌که سؤال از رئیس‌جمهور و الزام به حضور وی در مجلس شورای اسلامی برای پاسخ گفتن به سؤالات مطرح شده، به طور غیرمستقیم در میزان پشتیبانی مردمی رئیس‌جمهور اثر می‌گذارد و در صورت تکرار و عدم توانایی در پاسخگویی لازم، انتخاب مجدد او را برای دوره دوم به خطر می‌اندازد^(۳). البته طبق تبصره ماده (۲۱۳) قانون آییننامه داخلی

۱. میرحسین موسوی - (مدت یک‌ماه را) ما می‌گوئیم برای ایجاد آمادگی بیشتر، جمع‌کردن اسناد و مدارک و اگر فعالیتی رئیس‌جمهور در این زمینه باید بکند و یک هماهنگی‌هایی بکند این کار را بکند که بیاید جواب سؤال را بدهد... در واقع (این فرصت)، فرصتی است برای او که با منطق قوی توضیح دهد و باعث تقویت او و دولتش خواهد بود؛ پیشین، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، صص ۹۵۴ و ۹۵۷.

۲. «عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور، پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی...».

۳. عمیدزنجانی، عباسعلی. پیشین، ص ۲۸۲.

مجلس شورای اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۱)، و جهت مترتب نمودن آثار عملی بیشتر بر سؤال از رئیس جمهور، ضمانت اجرایی در نظر گرفته شده است که در ادامه مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

نکته پایانی در این باره نیز مربوط به عذر رئیس جمهور در صورت تأخیر از مهلت یک ماهه مذکور می باشد که همانگونه که در خصوص سؤال از وزیر نیز بیان شد، مرجع نهایی برای تشخیص این عذر با عنایت به عبارت «مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی» در ذیل اصل هشتاد و هشتم، خود مجلس شورای اسلامی است. ۵. آخرین نکته در خصوص سؤال از رئیس جمهور در این قسمت مربوط به شیوه سؤال از مقام مذکور است.

روند رسیدگی به سؤال از رئیس جمهور بر اساس مواد (۲۱۲) و (۲۱۳) قانون آییننامه داخلی مجلس شورای اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۱)، به این صورت است که نمایندگان سؤال کننده «... باید سؤال یا سؤالات خود را به طور صریح و روشن و مختصر همگی امضا و به رئیس مجلس تسلیم نمایند. رئیس مجلس موضوع را در اسرع وقت به کمیسیون های تخصصی مربوط، ارجاع می نماید. هر کمیسیون موظف است حداکثر ظرف یک هفته با حضور نماینده معرفی شده رئیس جمهور به آن کمیسیون و نماینده منتخب سؤال کنندگان تشکیل جلسه دهد»^(۱). در این جلسه، نماینده رئیس جمهور پاسخ مقتضی را از طرف رئیس جمهور ارائه خواهد نمود تا به نمایندگان سؤال کننده گزارش شود.

پس از یک هفته از طرح سؤال در کمیسیون یا کمیسیون ها، چنانچه هنوز حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس از سؤال خود منصرف نشده باشند، رئیس مجلس موظف است در اولین جلسه سؤال یا سؤالات آنان را قرائت و فوراً برای رئیس جمهور ارسال کند. این سؤال یا سؤالات ظرف چهل و هشت ساعت تکثیر و در دسترس نمایندگان قرار می گیرد».

۱. این قسمت از ماده (۲۱۲) برخلاف تصریح اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی حضور رییس جمهور در «مجلس» را به حضور نماینده وی در کمیسیون تخصصی تقلیل داده است. به نظر می رسد با توجه به تأثیری که سؤال از رئیس جمهور در افکار عمومی دارد، هدف قانون گذار عادی این بوده است تا در بادی امر اصطلاحاً بدون درگیر کردن کل مجلس نمایندگان سؤال کننده پاسخ های نماینده رییس جمهور را شنیده و در صورت قانع شدن از ادامه مسیر پرسشگری منصرف شوند.

بر اساس تبصره «۱» ماده مذکور، تعداد سؤالات نباید از پنج سؤال بیشتر باشد. همچنین پس از ارسال سؤال یا سؤالات برای رئیس‌جمهور، کاهش امضاها سبب خروج سؤال یا سؤالات از دستور نمی‌گردد^(۱).

بر اساس قسمتی از ماده (۲۱۳) اصلاحی نیز، «...مدت طرح سؤال یا سؤالات از طرف نمایندگان منتخب سؤال‌کنندگان حداکثر سی دقیقه و مدت پاسخ رئیس‌جمهور، حداکثر یک ساعت است که طرفین می‌توانند وقت خود را به دویخش تقسیم نمایند. در این صورت همه سؤالات و پاسخ‌ها در بخش اول وقت هر یک از دو طرف بیان می‌شود و در بخش دوم ابهامات سؤال‌کنندگان و پاسخ‌های رئیس‌جمهور مطرح می‌گردد».

تبصره این ماده نیز برای ضمانت اجرای سؤال از رئیس‌جمهور و جهت رفع ضعف‌ها و خلأهای موجود در این خصوص، مقرر می‌دارد: «... درباره پاسخ رئیس‌جمهور به هر یک از سؤالات از نظر قانع‌کننده بودن به صورت جداگانه رأی‌گیری می‌شود. چنانچه اکثریت نمایندگان حاضر در جلسه از پاسخ رئیس‌جمهور به سؤالی قانع نشده باشند و موضوع مورد سؤال، نقض قانون و یا استنکاف از قانون محسوب شود، آن سؤال به قوه قضاییه ارسال می‌شود»^(۲). البته به نظر می‌رسد ارسال مورد اشاره ماده مذکور به قوه قضاییه می‌تواند یکی از زمینه‌های اجرای بند «۱۰» اصل یکصد و دهم در خصوص حکم دیوان عالی کشور به تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی وی و اماره‌ای بر تخلف مذکور در این زمینه باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

بر پایه آنچه از نظر گذشت، می‌توان بیان داشت که با عنایت به مسئولیت سیاسی مقامات قوه مجریه در مقابل مجلس شورای اسلامی، نهاد مذکور دارای حق نظارت بر

۱. تبصره «۲» ماده (۲۱۲) قانون آییننامه داخلی مجلس شورای اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۱).

۲. البته تبصره «۲» این ماده در طرح دوفوریتی اولیه نمایندگان مجلس شورای اسلامی که مقرر می‌داشت: «در صورتی که تعداد سؤالات ارسال شده به قوه قضاییه درباره یک رئیس‌جمهور به عدد (۶) برسد، طرح استیضاح رئیس‌جمهور با رعایت مفاد اصل هشتاد و نهم قانون اساسی و مواد آیین‌نامه داخلی در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد»، با مغایرت ایراد شورای نگهبان مبنی بر مغایرت با اصول هشتاد و هشتم و هشتاد و نهم، حذف گردید. به نقل از وب سایت رسمی شورای نگهبان به نشانی:

این مقامات از طرق مختلف نظارتی است. اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی در مقام تبیین «سؤال» به عنوان یکی از جنبه‌های نظارتی مذکور برآمده و در این خصوص دارای احکامی است. اصل مذکور پیش از بازنگری در قانون اساسی تنها در بردارنده سؤال از وزرا بود و سؤال از رئیس‌جمهور و یا نخست‌وزیر را شامل نمی‌شد. با بازنگری در قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و حذف پست نخست‌وزیری و افزایش اختیارات رئیس‌جمهور، این مقام نیز در کنار وزرا، مشمول اصل سؤال طبق اصل هشتاد و هشتم اصلاحی، قرار گرفت.

با دقت در اصل مذکور و مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی و شورای بازنگری قانون اساسی، و همچنین با عنایت به نظریات تفسیری شورای نگهبان در خصوص اصل هشتاد و هشتم، می‌توان به مثابه نتیجه‌گیری برخی از نکاتی که بعضاً پیشتر مجال بروز نیافته است را مورد اشاره قرار داد:

۱. با توجه به جایگاه نظارتی مجلس و امکان اظهارنظر هر یک از نمایندگان در تمام امور داخلی و خارجی، هر یک از نمایندگان نیز می‌توانند هر یک از وزرا را مورد سؤال قرار دهند. قانون‌گذار اساسی اما در خصوص سؤال از رئیس‌جمهور با توجه به جایگاه و شأنی که آن مقام از آن برخوردار است، قائل به نصاب یک‌چهارم در این زمینه شده است. این امر با توجه به عدم استفاده صحیح نمایندگان از این ابراز نظارتی مجلس و بعضاً سوءاستفاده از آن و به نوعی اصطلاحاً گروکشی از وزرا در این زمینه، باعث شده است تا وزرای مورد سؤال، وقت زیادی را بابت پاسخ به سؤالات گاه بی‌مورد در مجلس گذرانده و از وظایف اجرایی خود تا حدودی دور شده و تجربه عملی در این خصوص، نیاز به اصلاح نصاب مذکور در اصل هشتاد و هشتم و افزایش آن به تعداد بیشتری از نمایندگان را به ذهن متبادر نماید. با توجه به آمار سؤالات مطرح شده در خصوص رئیس‌جمهور و وزرا و مواردی که بیان شد، به نظر می‌رسد سازوکار نظارت و سؤال بر مقامات قوه مجریه نیازمند اصلاح باشد؛ بدین صورت که سازوکار مذکور در خصوص وزرا باید دشوارتر و سازوکار نظارت بر رئیس‌جمهور می‌بایست سهل‌تر گردد.

۲. سؤال از رئیس‌جمهور و یا هر یک از وزرا در صورتی قابل طرح در مجلس است که در حیطه صلاحیت و وظایف قانونی مقامات اجرایی مذکور باشد و اختیارات این مقامات را در بر نمی‌گیرد. البته باید اضافه نمود که مقامات مذکور در اعمال

- اختیارات خود نیز باید طبق قوانین و مصالح کشور عمل نموده و نمی‌توانند به دلخواه و بدون دلیل به اعمال یا عدم اعمال اختیارات خویش بپردازند.
۳. تنها مکان طرح سؤال نمایندگان مجلس و پاسخ به سؤالات مذکور از سوی رئیس‌جمهور یا هر یک از وزرا، مجلس شورای اسلامی می‌باشد و سؤال از مقامات مذکور در محلی غیر از مجلس، حکم سؤالات عادی را داشته و خارج از موضوع و احکام اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی خواهد بود.
۴. با توجه به حساسیت سؤال از رئیس‌جمهور و لزوم اقناع سؤال‌کنندگان از این مقام با توجه به موقعیت و شأن رئیس‌جمهور و نیز مشغله‌های متعدد وی و امکان جمع‌آوری مدارک و استنادات لازم جهت پاسخگویی، قانون‌گذار اساسی مهلت یک‌ماهه را برای این مقام در مقابل مدت ده‌روزه برای پاسخگویی وزرا قرار داده است.
۵. امکان تأخیر از مدت مذکور در اصل هشتاد و هشتم در خصوص پاسخگویی مقامات بیان‌شده، در صورت عذر موجه تنها به تشخیص مجلس شورای اسلامی وجود دارد. اما در خصوص مصادیق عذر موجه تبیین مشخصی در قوانین در این خصوص صورت نگرفت است که این امر افزایش اعمال سلیاق شخصی و حزبی را ممکن می‌سازد.
۶. از جمله ایرادات وارد بر اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی در خصوص سؤال نمایندگان از مقامات قوه مجریه و نظارت بر ایشان این است که اولاً؛ امکان نظارت بر معاون اول رئیس‌جمهور و سؤال از این مقام با توجه به جایگاه مهمی که از آن برخوردار بوده و حتی می‌توان برای این مقام جایگاهی فراتر از وزرا قائل شد، همچنین اعمال نظارت از طریق سؤال از سایر معاونین رئیس‌جمهور که بعضاً مدیریت برخی سازمان‌های در حد و اندازه وازرتخانه را بر عهده دارند نیز وجود ندارد. ثانیاً چنانچه رئیس‌جمهور به استناد ذیل اصل ۱۳۵ قانون اساسی اقدام به معرفی سرپرست برای وزارتخانه بدون وزیر نماید، امکان نظارت بر مقام مذکور از طریق سؤال طبق قانون اساسی نیز وجود ندارد و این موارد از جمله ایراداتی است که نیازمند است در بازنگری قانون اساسی مد نظر قرار گرفته و اصلاح شود.
۷. متأسفانه علی‌رغم دغدغه‌ای که در شورای بازنگری قانون اساسی در خصوص احتمال خودکامگی رئیس‌جمهور وجود داشت و بر این اساس اعمال سازوکارهای نظارتی مانند سؤال و استیضاح در خصوص وی پیش‌بینی شده بود، تجربه گذشته نشان از آن دارد که ابزارهای نظارتی مزبور نتوانسته است کارایی لازم و بازدارندگی مؤثر را

داشته باشد و عملاً نظارت موثری بر رئیس جمهور صورت نمی گیرد. لذا به نظر می رسد می بایست ابزارهای نظارتی متنوع و جدیدی را برای نظارت بر رئیس جمهور پیش بینی نمود و در این راستا نگاه تطبیقی نیز می تواند مفید واقع شود. برای نمونه در برخی از کشورها، سؤال از وزرا و نخست وزیر به صورت دوره ای و منظم و در زمان های معین صورت می گیرد که شاید این سازوکار برای کاهش بار سیاسی سؤال از رئیس جمهور و کاهش تعدد سؤالات از وزرا نیز مفید و مؤثر باشد.

۸. چگونگی و نحوه سؤال از هر یک از وزرا به تفصیل در مواد (۲۰۹) تا (۲۱۱)، و شیوه سؤال از رئیس جمهور در مواد (۲۱۲) و (۲۱۳) قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۱)، مشخص شده است. که در این خصوص نیز باید اشاره نمود که علی رغم اصلاحات متعدد در قانون مذکور، احکام موجود در این زمینه هنوز نتوانسته است انتظارات مورد نظر در خصوص سؤال از مقامات مزبور را برآورده نموده و در جهت کارآمدی بیشتر این ابزار نظارتی مجلس و ضمانت اجراهای حاکم بر آن گام مؤثری بردارد.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

۱. نهج البلاغه
۲. بوشهری، جعفر. مسایل حقوق اساسی، چاپ اول، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۶.
۳. پروین، خیرالله و اصلانی، فیروز. اصول و مبانی حقوق اساسی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.
۴. راسخ، محمد. نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، تهران: انتشارات دراک، ۱۳۸۸.
۵. زارعی، محمدحسین. مطالعه تطبیقی مجالس قانون‌گذاری، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.
۶. عمیدزنجانی، عباسعلی. کلیات حقوق اساسی ایران، چاپ سوم، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۷.
۷. قاسم‌زاده، قاسم. حقوق اساسی، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۰.
۸. قاضی، ابوالفضل. بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ شانزدهم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳.
۹. مهرپور، حسین. مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۷.
۱۰. موسی‌زاده، ابراهیم و همکاران. دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تفسیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، بی‌تا.
۱۱. ورعی، سیدجواد. مبانی و مستندات قانون اساسی به روایت قانون‌گذار، قم: انتشارات دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۵.
۱۲. هاشمی، سیدمحمد. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر میزان، ج ۲، ۱۳۸۴.

ب) اسناد و قوانین

۱. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.

۲. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹.
۳. اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ ششم، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۳۸۶.
۴. اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، مجموعه قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، چاپ دوم، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۳۸۹.
۵. دفتر توافق‌های بین‌المللی ریاست جمهوری، قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، چاپ اول، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۳۸۷.
۶. دفتر توافق‌های بین‌المللی ریاست جمهوری، قانون اساسی فرانسه، چاپ دوم، تهران: معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۰.

ج) پایگاه‌های اینترنتی

[http:// www.ical.ir](http://www.ical.ir)
[http:// www.law.dotic.ir](http://www.law.dotic.ir)
[http:// www.rc.majlis.ir](http://www.rc.majlis.ir)
<http://www.assemblee-nationale.fr>
<http://www.parlement.fr>
<http://www.Parliament.UK>
<http://www.senat.fr>
<http://www.shora-gc.ir>

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود را ایا و تحت تاثیر بیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطر و قانون اساسی بدون بیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir